

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال دوم، شماره پیاپی ۵، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۵

صص ۹۱-۱۰۸

نابرابری‌های منطقه‌ای امنیت مورد مطالعه زنان ۱۵ سال به بالای ساکن مناطق شهر یاسوج^۱

آرمان حیدری، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج*
سمیه طالبی، کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا
زینب افشار، کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

نتایج اکثر تحقیقات مربوط به امنیت زنان در شهرها بیانگر ناامنی زنان در فضاهای شهری هستند. ایراد اساسی این تحقیقات این است که به علت قبول و بدیهی دانستن منطق دوانگاری مسلط (شهر/روستا، زنان/مردان و محیط اجتماعی/محیط فیزیکی) تمایزات درون شهر، درون جنس و ویژگی‌های محیط فیزیکی مرتبط با امنیت را نادیده یا کم اهمیت گرفته‌اند. مقاله حاضر با مهم دانستن تمایزات فوق و استفاده از روش پیمایشی، به بررسی امنیت درون جنسی زنان مناطق ۲ گانه شهر یاسوج در رابطه با ویژگی‌های محیط اجتماعی و فیزیکی محل سکونت‌شان پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، ناامنی زنان منطقه ۱ بیشتر به محیط فیزیکی و ناامنی زنان منطقه ۲ بیشتر به محیط اجتماعی محل سکونت‌شان مربوط می‌شود. سه مورد از مهمترین عوامل ناامن کننده زنان، به ترتیب، کوچه‌های فرعی، ارادل و اوباش و دزدی (منطقه ۱)؛ و درگیری، مزاحمت ناموسی و ارادل و اوباش (منطقه ۲) بوده‌اند. ویژگی‌های اجتماعی منطقه سکونت، موجب ناامنی بیشتر زنان مجرد؛ لیسانسیه‌ها و بالاتر و دیپلمه‌ها؛ و زنان دانشجو، دارندگان کار آزاد و دانش‌آموزان در مقایسه با دیگر گروه‌های زنان شده‌اند. بر اساس نتایج آزمون تأثیر تقابلی منطقه سکونت و وضع تأهل، زنان مجرد هر دو منطقه تحت شرایط محیط اجتماعی شان ناامن‌تر از زنان متأهل هم منطقه‌ای‌شان بوده‌اند. در بعد کلی امنیت، زنان مجرد منطقه بالا بیشترین ناامنی و زنان متأهل منطقه بالا کمترین ناامنی را داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: نابرابری‌های منطقه‌ای، امنیت، زنان، فضاهای شهری، یاسوج.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی زنان و امنیت در فضاهای شهری یاسوج است که با تصویب و حمایت مالی شهرداری یاسوج اجرا گردیده است.

مقدمه

اهمیت فضا در بررسی و تبیین پدیده‌های اجتماعی به حدی است که از آن به عنوان قلب تلاش جامعه‌شناختی یاد می‌شود. از آنجا که وقوع حوادث تجربی در راستای زمان-فضا صورت می‌گیرد (Urry, 1985:26). توجه اساسی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به سمت واحدهای از نظر فضایی تعریف شده سازمان اجتماعی جهت یافته است (Saunders, 1985: 69). شهرها به عنوان مهمترین ترتیبات فضایی - اجتماعی امروزی بیش از هر زمان دیگری در تاریخ مورد توجه اندیشمندان و برنامه‌ریزان قرار گرفته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۹). اما تحقیقات پیرامون شهر و مسائل مربوط به آن تحت تأثیر پیش فرض‌ها و گفتمان‌های خاصی بوده است که تا حد زیادی باعث محدودیت و نقص مطالعات مربوطه شده‌اند. در مورد شهر و امنیت، به ویژه امنیت زنان، سه ضعف اساسی برجسته هستند. اول، تحت تأثیر تقسیم‌بندی دوگانه تونیس (گزل شافت و گمین شافت)، شهر به عنوان یک "کل" در تقابل با روستا شناخته و تنوعات درونی آن (بر حسب سن، جنس، قومیت، محله‌ها، نوع محل سکونت و) معمولاً نادیده گرفته شده است. واضح است که همه افراد و گروه‌های مختلف ساکن شهر امکانات، توانایی‌ها، نیازها و احساسات یکسانی ندارند. زیرا فضا به نحو یکسانی پاسخگوی نیازهای گروه‌های مختلف نبوده و آسایش محیطی یکسانی را برای همه آنها فراهم نمی‌کند. به عبارتی، فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان، باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، اجتماعی و جنسی، محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماع پاسخ مناسب بدهند و پاسخ‌گوی حداقل نیازها باشند (رفعیان، ۱۳۸۸).

دوم، اکثر مطالعات اجتماعی از ترس سقوط در جبرگرایی جغرافیگرا و "فراگیر شدن مفهوم ساختار

اجتماعی"، تمایل به نادیده و/یا کم‌اهمیت گرفتن تأثیر محیط فیزیکی شهرها و اهمیت "فضا" داشته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۹۸). در صورتی که محیط‌های پیرامونی تأثیرگذار بر رفتار افراد را می‌توان به دو دسته متمایز محیط فیزیکی و محیط اجتماعی تقسیم نمود که هر یک اثرات خاص خود را دارند. برای مثال، روان‌شناسی محیطی به تأثیرات متقابل جهان فیزیکی و رفتار انسان (تأثیر عواملی مانند شلوغی جمعیت، آلودگی هوا و افزایش سر و صدا) (Baron and Bryne, 1987:420) و روان‌شناسی اجتماعی، به تأثیر فرایندها و عوامل اجتماعی بر رفتار فرد متمرکز می‌شود (Harrison, 1976:20). بنابراین بررسی آثار و پیامدهای زندگی شهری و وضعیت رفتاری و احساسی شهروندان مستلزم توجه به اهمیت و تأثیر هر دو فاکتور جهان فیزیکی و جهان اجتماعی حاکم بر زندگی شهر و شهرنشینان است. سوم، اینکه زنان به عنوان مقوله‌ای واحد و مشابه، و در تقابل با مردان، مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند و تنوعات درون جنسی مسائل و مشکلات، و به ویژه بحث امنیت و ناامنی درون جنسی، کمتر مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است. در بیشتر اظهارات و تحقیقات گفته‌ای با این مضمون ابراز می‌شود که همه "زنان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند" (تمدن، ۱۳۸۷: ۲۲). در صورتی که تنوعات درون جنسی امنیت، به همان اندازه، و شاید بیشتر، مستلزم توجه و تحقیق علمی است. واقعیتی که می‌توان آنرا "تفاوت و نابرابری امنیتی درون جنسیتی"^۱ نامید. تفاوت‌هایی که ناشی از ویژگی‌های متفاوت فردی زنان و محیط اجتماعی و فیزیکی متفاوت حاکم بر زندگی آنان در مناطق مختلف شهر است (تفاوت‌های محله‌ای امنیت).

در مواجهه با مسائل فوق، از حدود دهه ۱۹۶۰ در بستر گسترش انتقادهای شهرسازی مدرن و همراه با رشد جنبش‌های زنان [و نتایج تحقیقات منتشره که بیان‌گر

¹ Intra- gender Difference and Unequality of insecurity

ضرورت و اهمیت تحقیق

گسترش زیست فضاهای شهری مسائل متعددی را به وجود آورده‌اند. آلودگی‌های زیست محیطی، کمبود امکانات رفاهی، بروز پدیده فقر، حاشیه‌نشینی و ... از جمله این مسائل‌اند. از مهمترین مسائل مرتبط با زیست‌گاه‌های شهری، مسأله امنیت شهروندان است که به دلیل تراکم جمعیت، در سال‌های گذشته مورد توجه هر دو گروه برنامه‌ریزان و مدیران شهری و شهروندان قرار گرفته است. از میان شهروندان، امنیت زنان به عنوان بیش از نیمی از جمعیت کشور که احساس ناامنی بالاتری از مردان دارند (تحقیقات پیشین)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه، در اروپا و آمریکا، ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری با هدف اصلاح بنیادهای نابرابری جنسیتی بوده است. یکی از برنامه‌های جدید دولت انگلستان در زمینه شهرسازی اجرای "طرح شهرهای امن‌تر" است که شرط لازم برای توسعه اقتصادی- اجتماعی محسوب می‌شود. در چارچوب این طرح تعداد زیادی پروژه در شهرهای مختلف انگلستان به اجرا درآمد و نتایج آنها نشان داد زنان خیلی بیشتر و گاهی دو برابر مردان در معرض جرم و آسیب قرار دارند و به همین دلیل نزدیک ۷۰ درصد زنان مایل نیستند که پس از تاریکی از خانه خارج شوند. از این‌رو محققان به این نتیجه رسیدند که ایجاد ایمنی بیشتر در شهرها در درجه اول مستلزم فراهم کردن ایمنی برای زنان است و از دهه ۱۹۶۰، رابطه جنسیت و شهر به یک گفتمان جدید در اروپا و آمریکا تبدیل شد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۵). پدیده‌ای که تا کنون در کشور ما به طور عام، و در شهر یاسوج به صورت خاص، کمتر مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان و محققان علمی قرار گرفته است. پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند ۶۵ درصد زنان از بیرون رفتن در شب، از ترس مورد حمله قرار گرفتن، واهمه دارند. حتی حدود ۳۶ درصد از آنان در

احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری بودند] موضوع رابطه جنسیت و شهر به یک گفتمان جدید در اروپا و آمریکا تبدیل شد و از دهه ۱۹۸۰ در متن جنبش زنان موج جدیدی به صورت فمینیسم شهری^۱ به ظهور رسید که معمولاً از آن به عنوان "جنبش زنان و برنامه‌ریزی" نام برده می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳). از مهمترین موضوعات مورد توجه این جنبش و کنفرانس‌های مربوطه، موضوع امنیت زنان در فضاهای شهری و چگونگی ملاحظه آن در طراحی‌های شهری است. مقاله حاضر با توجه به انتقادهای بالا، اول تنوعات درون شهری امنیت را در پرتوی بررسی محله‌های مختلف شهر یاسوج بررسی کرده است. ثانیاً، در بحث امنیت به هر دو دسته عوامل اجتماعی و فیزیکی امنیت را با امنیت زدای توجه داشته است (منطقه محل سکونت). ثالثاً، در بررسی امنیت زنان، آنان را نه به صورت یک مقوله واحد و در تقابل با مردان، بلکه امنیت آنان را برحسب شکاف‌های درون جنسی سنی و اجتماعی (وضع تأهل و شغل) مطالعه کرده است. فرض اساسی مقاله این است که مطالعه امنیت و احساس امنیت در شهرها مستلزم توجه به هر دو فاکتور محیطی (فیزیکی و اجتماعی) و فردی (جنس، سن و ویژگی‌های فردی ...) است. سؤال‌های اساسی موارد زیر هستند: آیا زنان نواحی مختلف ساکن شهر یاسوج در ارتباط با محیط اجتماعی و فیزیکی‌شان امنیت و احساس امنیت یکسانی دارند؟ ویژگی‌های اجتماعی محله‌شان به چه میزان در امنیت یا ناامنی آنان سهیم است؟ زنان مناطق مختلف تا چه اندازه در هر یک از مکان‌های فیزیکی محله‌شان احساس امنیت می‌کنند؟ ویژگی‌های فردی آنان مانند سن، سواد، اشتغال آنها چقدر در ناامنی آنها تأثیرگذار است؟

^۱ Urban Feminism

طول روز، نیز، از ترس آزار و اذیت بدنی و دزدی مایل به بیرون رفتن نیستند. بررسی‌های آماری در کلان‌شهرهای آمریکا نشان می‌دهد که عموم شهروندان زن از آسیب‌های شدید اجتماعی مثل تعرض، خشونت و جنایت رنج می‌برند و به همین دلیل خود را از رفتن به فضاهای شهری محروم می‌کنند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۹). علی‌رغم اهمیت یافته‌های پژوهشی فوق‌الذکر، یکی از نقایص آنها این است که برجستگی نامی زنان در مقایسه با مردان (تفاوت بین جنسی امنیت)، مانع توجه و بررسی ناهمگونی‌ها و نابرابری‌های "درون جنسی" امنیت شده است. چرا که شهر از محلات و بخش‌های مختلف با امکانات و ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی متفاوت تشکیل شده و این نابرابری‌های "درون بخش‌های شهری" می‌تواند به گونه‌ای نایکسان امنیت زنان محلات مختلف را تحت تأثیر قرار دهند. به علاوه، همه زنان ویژگی‌های یکسانی ندارند و ویژگی‌های فردی متفاوت آنان می‌تواند بر میزان امنیت آنان تأثیرگذار باشند. بدین ترتیب، در نظر گرفتن شهر به عنوان تمامی یکپارچه و نادیده گرفتن تمایزات درونی آن به همان اندازه دور از واقعیت است که از امنیت زنان به عنوان یک مقوله کلی سخن بگوییم و تمایزات و تنوعات درونی آنان بر حسب محل زندگی یا ویژگی‌های فردی‌شان را نادیده بگیریم. از این‌رو ضرورت بررسی امنیت و احساس امنیت زنان در بخش‌ها و محلات مختلف شهر و پیوند دادن آن با ویژگی‌های فردی و شرایط متفاوت مناطق مختلف شهری، امری اساسی و ضروری به نظر می‌رسد. پدیده‌ای که تا کنون کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه‌های تحقیق

تحقیق زنجانی‌زاده (۱۳۸۲) در مورد "زنان و امنیت در محیط شهر" در مشهد نشان داد زنان مناطق مختلف شهر

مشهد از نظر میزان احساس امنیت با هم تفاوت دارند و زنان مناطقی که از نظر اقتصادی محروم‌تر هستند احساس امنیت کمتری دارند. تحقیق کرامتی (۱۳۸۴) در مورد "بررسی احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان تهران بزرگ"، نشان داد که پاسخگویان جرایم خرید و فروش مواد مخدر، حضور علنی معتادان، ایجاد مزاحمت برای نوامیس، شرارت اراذل و اوباش، دزدی اعم از اتومبیل، منزل و غیره، تجاوز جنسی به زنان و کودکان، نزاع و درگیری دسته جمعی را به عنوان شایعترین جرایم رایج در محلاتشان ذکر کردند. تحقیق نوروزی و فولاد سپهر (۱۳۸۸) درباره "احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران"، در سه منطقه مرفه، متوسط و پایین شهر تهران، بیانگر پایین بودن میانگین احساس امنیت پاسخگویان بود. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین متغیرهای احساس نظم اجتماعی و احساس امنیت محل سکونت وجود داشت. تحقیق نجار نهانندی و آهنگر سلامی (۱۳۸۹) درباره "جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان" در تهران نشان داد افراد مناطق مسکونی جنوب شهر نسبت به مناطق شمال شهر احساس ناامنی بیشتری دارند. تحقیق عنایت و دیگران (۱۳۹۱) پیرامون "نابرابری‌های منطقه‌ای در برابر تفاوت‌های جنسی: مورد مطالعه مقایسه احساس امنیت زنان شهرهای شیراز و یاسوج"، نشان داد بارزترین تفاوت‌های میزان احساس امنیت پاسخگویان، بر اساس جنس، به احساس امنیت اجتماعی مربوط می‌شود. به عبارتی تأثیر جنس بر بعد اجتماعی احساس امنیت تعیین‌کننده‌تر از زمینه فرهنگی- اجتماعی بوده است. بر اساس تحقیقات دیگری تفاوت‌های امنیت بر اساس محله سکونت پاسخگویان (ایسپا، ۱۳۸۰؛ رضوان، ۱۳۸۵؛ ضابطیان طرقي، ۱۳۸۷؛ بیات، ۱۳۸۸؛ گلی و صادقی، ۱۳۹۰) تأیید شده است.

بر اساس نتایج مطالعات ورابید^۱ (۲۰۰۳) مسأله

^۱ Vera baird

اجتماعی و تجارب زندگی هر روزه و ۳) چرخه بیرونی؛ یعنی، ناامنی مربوط به واقعیت‌های بیرونی^۷ مانند عدم رفاه اقتصادی - اجتماعی، خشونت و جنگ. محققان می‌گویند هر کسی در برابر مخاطرات معینی آسیب‌پذیر است. پاسخ‌ها مجموعه‌ای از مخاطرات متناقض‌نما را نشان می‌دهند که همزمان شخصی، محلی و جهانی هستند. گربر و دیگران، (۲۰۱۰) با استفاده از تحلیل ثانویه به بررسی ادبیات مربوط به " ناامنی‌های مربوط به جرم در آلمان، استرالیا و هلند " پرداختند. آنها پس از ارزیابی و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مربوط به سه کشور، و ادبیات آلمانی و انگلیسی زبان در خصوص جرم و ترس از جرم، به این نتیجه می‌رسند که ناامنی‌های مربوط به جرم تنها یک عامل از دامنه گسترده‌تر ناامنی‌های اجتماعی هستند. به نظر آنان تحقیقات آتی باید میزانی را بررسی کنند که متناسب با آن ناامنی‌های مربوط به جرم در تصورات عمومی از اضمحلال همسایگی یا در ناامنی‌های انتزاعی تر درباره جامعه و تغییر اجتماعی ریشه دارند .

چارچوب نظری

در هفتاد سال گذشته چهار تلاش عمده برای مشخص کردن نوع متمایز زندگی اجتماعی در شهرها وجود داشته است: «شهر به عنوان: یک اجتماع بوم شناختی (پارک)؛ یک شکل فرهنگی (زیمل و لوئیس ورت)؛ نظامی از تخصیص منبع (جان رکس و ری پال)؛ یک واحد مصرف جمعی (کاستلز) (Saunders, 1985:72-79). در شهر یک ارتباط دو جانبه میان جامعه- انسان و فضا نمود می‌یابد. از یک سو این اجتماع انسانی است که به فضا شکل می‌دهد و طی نسل‌ها فضا را با نوع استفاده خود متناسب می‌سازد و از سوی دیگر ویژگی‌های یک فضا، کیفیات حسی- ادراکی ناشی از آن و امکانات

ساخت محیط امن برای زنان، باعث توانمندتر شدن زنان محلی شده و با دخالت دادن آنان در تحلیل و برآوردهای ساخت محیط محلی، در بیرون راندن خطرات از محیطشان نقش حقیقی و فعال خواهند داشت. شاید گسترده‌ترین کار در این زمینه را برگزارکنندگان کنفرانس لندن (۲۰۰۵) انجام داده‌اند. در این کنفرانس بر ایجاد سازمان‌های امن برای حمل و نقل و مسافرت‌های زنان، آموزش مداوم زنان، توجه دادن معماران به امنیت زنان در شهر و طراحی‌های شهری و مشارکت دادن زنان در طراحی‌های شهری تأکید شد (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۵: ۲۳). ساترفیلد و دیگران^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند آسیب‌پذیری متصور و بی‌عدالتی محیطی پیش‌بینی کنندگان خوبی از برآوردهای مخاطره‌ای بیشتر زنان هستند. جکسون^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه " امنیت اجتماعی و رعایت قواعد غیر رسمی "، می‌گوید، ارزیابی‌ها از آسیب‌پذیری و تصور مخاطره‌ای به وضوح در چگونگی فهم مردم از محیط فیزیکی و اجتماعی‌شان قرار دارد. تصورات از انسجام اجتماعی، اعتماد و کنترل اجتماعی غیر رسمی و تفسیرات از ارزش‌ها، هنجارها و اخلاق‌های مردم تشکیل دهنده اجتماع، درست به همان اندازه تفاسیر مربوط به " پنجره‌های شکسته"^۳ و عدم مدنیت^۴، در شکل دادن تصور مخاطره‌ای اهمیت دارند. ورنانن و دیگران^۵ (۲۰۰۹)، بعد از دسته‌بندی پاسخ‌های جوانان فنلاندی به عوامل ناامن‌کننده‌شان، آنها را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند: ۱) چرخه درونی؛ یعنی، ناامنی مربوط به هیجان‌های شخصی و تجارب باطنی^۶؛ ۲) چرخه اجتماعی؛ یعنی، ناامنی مربوط به تعاملات و روابط

¹ Saterfield et al

² Jackson

³ Broken Windows

⁴ Incivility

⁵ Vornanen et al

⁶ Inner Experiencies

⁷ External Realities

مختلف شهر یکسان نیست پس در درون خود زنان هم تفاوت‌های میزان ناامنی برجسته است. بعضی از این دیدگاه‌ها در زیر ارائه می‌شوند:

نظریه نیازهای انسانی که بر اهمیت و نقش دو متغیر اساسی "جنس" و "سن" در تأمین رضایت و سعادت شهروندان تأکید دارد. به علاوه، فراتر از نیازهای اساسی مشترک همه انسان‌ها، نیازها و شیوه بروز و ارضای آنها در بین گروه‌های مختلف کاملاً یکسان نیست. برای مثال، در شهرسازی مدرن - با وجود حضور وسیع زنان در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری - خیلی کم به تفاوت و تنوع این نیازها توجه شده است. گویا شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی کرده‌اند. به عبارتی شهرسازی مدرن، پیگیر ارزش‌ها و هنجارهای مردانه‌ای بود که به نام بشریت معرفی می‌شد. از این‌رو امروزه فضاهای شهری، در شهرهای بزرگ، اگرچه بسیار جذاب و برانگیزاننده‌اند ولی در عین حال سرشار از غریبگی، ناامنی و هراس هستند. به ویژه، زنان در این فضاها احساس آسایش و امنیت کافی نمی‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۷-۱۷).

رویکرد جامعه- جمعیت شناختی، مهمترین عامل مؤثر بر احساس امنیت را "آسیب‌پذیری" (اعم از آسیب‌پذیری فیزیکی، روان‌شناختی و اقتصادی) می‌داند. این رویکرد نگاهی "جامعه- جمعیت‌شناسانه" به پدیده احساس امنیت دارد و بر عواملی مانند سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی - اقتصادی تأکید دارد. از این منظر انسان‌هایی که احتمال زیادی می‌دهند که در معرض جرم و ناامنی قرار بگیرند، فاقد امکان دفاع مؤثر، اقدامات حفاظتی و یا امکان فرار باشند و پیش‌بینی کنند که به طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود آسیب‌پذیر خوانده می‌شوند (تامپسون، ۲۰۰۲).

رویکرد تجربه جرم، احساس ناامنی را محصول

متناسب را در اختیار بهره‌برداران قرار می‌دهد (تمدن، ۱۳۸۷: ۲۱). شهر خوب یا شهر با کیفیت شهری است که هر چه بیشتر بتواند به نیازهای مادی و معنوی شهروندان پاسخ گوید. اما بدیهی است همه شهروندان ویژگی‌ها، خصوصیات و توانایی‌های یکسانی ندارند. همچنین همه محلات شهر ویژگی‌ها اجتماعی و محیطی یکسانی ندارند. لذا نمی‌توان امنیت همه افراد در همه محله‌های شهری را یکسان و مشابه فرض کرد. برای مثال نیازهای زنان و مردان (در گروه‌های مختلف سنی) با تمایزهای آشکار زیستی، اجتماعی و فرهنگی همراه است. به علاوه الگوهای رفتاری زنان و مردان در مکان‌ها و فضاهای شهری یکی نیست و به همین دلیل نمی‌توان به شیوه یکسان به نیازهای آنان در هنگام کار، رفت و آمد، حمل و نقل، ورزش، تفریح و استراحت پاسخ گفت. از این رو بررسی تنوعات درون جنسی امنیت در فضاهای شهری تحت‌الشعاع بررسی‌های بین جنسی امنیت قرار گرفته است. برجستگی این تمایزات بین جنسی در بین نظریه‌پردازان اولیه جامعه‌شناسی بیشتر مشهود است که ویژگی‌هایی مانند ترس و اضطراب بیشتر زنان را به خصوصیات بیولوژیکی‌شان نسبت می‌دادند و زنان و مردان را به عنوان مقوله‌های کلی و ذاتی یکپارچه و متفاوت می‌دانستند که توانایی‌های عقلی، عاطفی و اخلاقی متفاوت و نابرابری دارند (چافتز، ۲۰۰۶). امروزه سیطره دیدگاه فوق تضعیف گردیده و دیدگاه‌های مختلفی در برابر آن مطرح شده‌اند که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. ویژگی مشترک این دیدگاه‌های جدید این است که آسیب‌ها و مسائل پیش روی زنان (مانند تجاوز جنسی، ترس و احساس ناامنی...) را به شرایط زندگی اجتماعی آنان نسبت می‌دهند و از آنجا که شرایط زندگی اجتماعی گروه‌های متفاوت زنان (براساس ویژگی‌های سن، شغل، سواد و ..) در محلات

² Thompson

¹ Chafetz

جرم است که بیشترین تأثیر را بر "احساس امنیت" انسان‌ها دارد (بارنی^۴، ۲۰۰۵). نظریه‌های بوم‌شناختی، که مدعی‌اند هرچند عوامل مختلف تهدیدکننده امنیت از ماهیت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و ... برخوردارند، تقریباً تمامی آنها در "مکان" رخ داده و به نوعی وابسته به بُعد مکانی هستند. از این‌رو برگس، کلان‌شهر را به پنج منطقه سکونتگاهی تقسیم می‌کند که به شکل دایره‌های متحدالمرکزی از مرکز به پیرامون بسط یافته‌اند: ۱- منطقه تجاری- مرکزی؛ ۲- منطقه انتقالی؛ ۳- منطقه سکونت گاهی طبقه متوسط؛ منطقه با کمترین جرم. وی بر این باور است که در منطقه انتقالی به دلیل بالای سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین نرخ جرم و بزهکاری وجود دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۷). بنابراین شهر یک کل منسجم نیست و در درون خود از بخش‌هایی ناهمگن تقسیم شده است که براساس "امکانات کالبدی محلی (مانند خیابان و کوچه‌ها، میادین یا پارک‌ها ...)"؛ الگوهای کاربری زمین (مانند وجود کارگاه‌ها، عمده‌فروشی‌ها، یا رستوران‌ها و ...)؛ شاخص‌های فضایی (ایستگاه‌های شهری، فضاهای محله و ورزش و قدم زدن ...)" (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷) با هم فرق دارند. با توجه به نظریه‌های بالا می‌توان فرضیات زیر را مطرح کرد:

— بین سن و میزان امنیت و احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

— بین وضع تأهل و احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

— بین اشتغال و احساس ناامنی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

— زنان ساکن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج احساس امنیت اجتماعی یکسانی ندارند.

— زنان ساکن در مناطق چهارگانه شهر یاسوج احساس امنیت فیزیکی یکسانی ندارند.

مواجهه شخصی با جرم و یا مطلع شدن از آن، به وسیله شنیده‌ها، اعم از تماس با دیگران و یا رسانه‌های همگانی می‌داند. این رویکرد بر تأثیر دو نوع تجربه مستقیم و غیرمستقیم جرم بر احساس امنیت تأکید دارد. تنوع در این رویکرد بر اساس سطح تحلیل مورد توجه است: تحلیلگران سطح تحلیل خرد (رهیافت قربانی شدن) معتقدند هر چه تجربه بزه‌دیدگی واقعی بیشتر باشد و یا هرچه احتمال بزه دیدن بالاتر باشد، ترس از ناامنی بیشتر خواهد بود. اینان سطح احساس ناامنی در جامعه و یا محله را معلول سطح فعالیت‌های مجرمانه در آن جامعه یا محله می‌دانند (بوئر^۱، ۲۰۰۳). تحلیلگران سطح تحلیل میانه (رهیافت کنترل اجتماعی غیر رسمی)، ترس از جرم را بر حسب ویژگی‌هایی در همسایگی که بیانگر جرم هستند تبیین می‌کند (بوئر، ۲۰۰۳). افراد ویژگی‌های معینی در محیط بلافصل‌شان را به عنوان نشانه‌های از هم گسیختگی و بی‌ثباتی اجتماعی تصور می‌کنند (مانند کثیفی و آشغال‌دانی‌ها، و وجود گروه‌هایی از جوانان سرگردان در خیابان‌ها در شب و ..). به علاوه، آنها این علائم را از نشانه‌های نقصان و ضعف ظرفیت اجتماع برای تنظیم کردن رفتار مردم می‌دانند. در این رویکرد علایم فرسودگی و انحطاط بافت فیزیکی محله و ضعف کنترل‌های اجتماعی می‌توانند بر احساس ناامنی شهروندان تأثیر داشته باشند. همچنین، بی‌نظمی محیط اجتماعی و فیزیکی می‌تواند تداعیگر این اندیشه باشد که اولاً، کنترل اجتماعی وجود ندارد یا ضعیف است؛ ثانیاً، سایر هم محلی‌ها، و هم شهری‌ها ارزش‌ها و قواعد اجتماعی زندگی را رعایت نمی‌کنند (اسمیت^۲، ۲۰۰۵).

نظریه پنجره شکسته^۳، فرض می‌کند سطح پایینی از بی‌نظمی می‌تواند با مضمحل کردن بافت اجتماعی جامعه، واقعا به پیدایش جرایم جدی‌تر منجر شود. در این نظریه بر علائم قابل مشاهده‌ی بی‌نظمی تأکید می‌شود و استدلال می‌شود که این "بی‌نظمی"، و نه خود

¹ Boers

² Smith

³ Broken Window

⁴ Burney

روش‌شناسی

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شد. ابتدا بر اساس تحقیقات انجام گرفته پیشین و به استناد شاخص‌های مختلف، شهر یاسوج به دو ناحیه تقسیم شد. سپس برای ارزیابی امنیت زنان ساکنان در مناطق دوگانه فوق، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه زنان بالای ۱۵ سال، ساکن شهر یاسوج بوده‌اند. تعداد ۳۶۳ نفر از این زنان بر اساس فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه مورد نظر انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، روش طبقه‌ای، سهمیه‌ای و تصادفی بوده است. ابتدا شهر یاسوج به دو منطقه تفکیک شد، سپس در هر منطقه بر حسب جمعیت آن منطقه، محله‌هایی به صورت تصادفی جهت پر کردن پرسشنامه انتخاب شدند. در این مقاله امنیت زنان در محلات بر اساس دو بعد امنیت اجتماعی و امنیت محیطی مورد ارزیابی قرار گرفت. امنیت اجتماعی؛ یعنی پاسخگو تا چه اندازه در محل سکونت خود با هریک از ناهنجاری‌های اجتماعی زیر روبروست. موارد ناهنجاری شامل (خرید و فروش مواد مخدر، مصرف مواد مخدر و حضور علنی معتادان، دزدی (اعم از منزل و اتومبیل)، وجود اراذل و اوباش، مزاحمت برای نوامیس و نزاع و درگیری) بودند. ناامنی محیطی، یعنی پاسخگو تا چه اندازه در هریک از اماکن فیزیکی محل زیست خود یا ویژگی‌های آن ناراضی و نگران است. این بعد نیز در قالب این سؤال ارزیابی شد که شما "در هر کدام از مکان‌های زیر در محله‌تان، به چه میزان احساس نگرانی و ناامنی می‌کنید؟". پاسخ‌ها شامل پارک محله، کوچه‌های فرعی، مراکز اداری، پارکینگ‌ها و گاراژها، آپارتمان‌ها و پله‌ها، ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس و فروشگاه‌ها و مراکز خرید بودند. همچنین یک سؤال باز پرسیده شد و از پاسخگویان خواسته شد با این مضمون که "عوامل محیطی که در محله شما باعث ایجاد ناامنی می‌شود را به ترتیب اولویت [از شماره ۱ تا شماره ۱۱] شماره گذاری کنید؟". موارد شامل خلوتی

معاپر در روز، خلوتی معاپر در غروب، تاریکی معاپر در شب، شلوغی محله، عدم آشنایی مردم با یکدیگر، کثیفی محله، وجود فضای سبز خلوت، وجود زمین‌های ساخته نشده، وجود ساختمان‌های نیمه کاره، فضاهای مخروبه و ازدحام بیش از حد جمعیت بودند.

شهر یاسوج و نواحی آن

شهر یاسوج، به عنوان مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد، "شهری تأسیسی" است که به "دلایل سیاسی و امنیتی" ساخته شده است. یاسوج که تا پیش از سال ۱۳۴۴ نشانی از شهر نداشت به عنوان مرکز فرمانداری کل بویراحمد و کهگیلویه انتخاب گردید (جوانمردی، ۱۳۸۰؛ مجیدی کرائی، ۱۳۸۱:۱۷۶). تیربند و اذانی (۱۳۹۱)، براساس ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی (درآمد، وضع سواد، کارکرد محلات، مراکز فرهنگی، قیمت زمین و بافت کالبدی) شهر را به چهار دسته تقسیم نموده‌اند. ناحیه ۱ در شرق یاسوج واقع شده است و چند کوی کارمندان اداری و منازل ساده در این منطقه قرار دارد. ناحیه ۲ در قسمت شمال و در مناطق مرکزی قرار گرفته است. این بخش مرکز اقتصادی شهر است و بیشتر آنها بازاریان و افراد با درآمد بالا هستند و جمعیت این منطقه که بخش شمال شهر و تا حدودی مرکز شهر ساکن‌اند، دارای وضعیت اقتصادی خوبی هستند. ناحیه ۳، در سمت جنوب شهر واقع شده است، ساکنان آن افراد با درآمد متوسط هستند، ولی بیشتر کاربری‌های اداری، فرهنگی، تفریحی و آموزشی در این بخش قرار دارد. ناحیه ۴ در سمت غربی شهر قرار دارد و ساکنان آن مهاجران از مناطق مختلف حوزه نفوذ با درآمد متوسط و کم هستند. محققان پس از ارائه شاخص‌ها می‌گویند: در ناحیه ۱ معاپر و فضاهای آموزشی، تجاری، اداری، تأسیسات، فضای سبز، فرهنگی، مذهبی و مسکن از وضعیت مناسبی برخوردارند ولی در کاربری‌های درمانی و حمل و نقل و ورزش کمبود زمین دارند. در ناحیه دو، سطوح معاپر و فضاهای آموزشی، تجاری و اداری دارای

۲۱ - ۲۶ سال تعلق داشته‌اند، گروه سنی ۱۵ - ۲۰ ساله از نظر فراوانی در مرتبه بعد قرار دارند. از نظر وضع اشتغال، بیشترین تعداد پاسخگویان را دانشجویان (۳۸ درصد) و کمترین آنان را کارمندان با ۱۲/۴ درصد تشکیل داده‌اند. از نظر سواد، ۵۳/۱ درصد از پاسخگویان تحصیلاتی زیر سیکل (۲۶/۴) و دیپلم (۲۶/۷) داشته‌اند. هر چند درصد تعداد افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر (۲۱/۸) نیز بیانگر ارتقای وضعیت تحصیلی زنان است. از کل افراد نمونه، بیش از نیمی مجرد (۵۵/۱) و ۴۴/۹ درصد متأهل بوده‌اند.

ترتیب موارد اجتماعی و محیطی امنیت‌زدا: اولین سؤال مهم در مورد مسائل اجتماعی و محیطی این بود که آیا همه مسائل اجتماعی و محیطی به یکسان موجب نگرانی و ناامنی پاسخگویان می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم استفاده از آزمون تفاوت رتبه‌ها بود. این آزمون به صورت کلی و به صورت مجزا و با تفکیک مناطق دوگانه برای پاسخ‌ها اجرا شد. بر اساس نتایج آزمون، مهمترین موارد ناامنی پاسخگویان در کل به مزاحمت‌های ناموسی، کوچه‌های فرعی، اراذل و اوباش، درگیری و دزدی مربوط می‌شد. مقدار کای اسکوتر (۳۵۶/۰۰۵) با سطح معنی‌داری بالاتر از ۹۹ درصد بیانگر معنی‌دار بودن تفاوت موارد ناامنی را برای پاسخگویان بوده است. به تفکیک مناطق، نتایج آزمون نشان داد که پاسخگویان ساکن منطقه ۱، موارد کوچه‌های فرعی، وجود اراذل و اوباش، دزدی و مزاحمت نوامیس را به ترتیب، به عنوان چهار موردی نام بردند که موجب ناامنی آنها می‌شوند. مقدار کاسکوئر (۱۵۸/۵۴) با سطح معنی‌داری بالاتر از ۹۹ درصد بیانگر غیر تصادفی بودن تفاوت میانگین رتبه‌ها است. پاسخگویان منطقه ۲، به ترتیب، موارد دزدی، مزاحمت نوامیس، اراذل و اوباش و دزدی را به عنوان مهمترین موارد ناامنی‌زای خود مشخص کرده‌اند. نکته جالب این است که مهمترین نگرانی ساکنان منطقه ۱ ناشی از موارد محیطی (کوچه‌های فرعی)؛ برعکس، برای ساکنان منطقه ۲، هر پنج مورد اول ناامنی‌زا موارد

وضعیت مناسبی هستند، ولی در کاربری‌های درمانی و فرهنگی و فضای سبز، مذهبی، حمل و نقل و ورزشی دچار کمبود هستند. در ناحیه سه، معابر، فضاهای آموزشی، تجاری اداری، درمانی و مذهبی از وضعیت مناسبی برخوردارند، ولی در کاربری‌های فضای سبز، فرهنگی، حمل و نقل و ورزشی دچار کمبود هستند. در ناحیه چهار، فضای آموزشی، فرهنگی، ورزشی، معابر و مذهبی وضعیت مناسبی دارند، ولی در کاربری‌های فضای سبز و درمانی کمبود سطح وجود دارد. در تحلیل نهایی، از نظر دارا بودن امکانات مختلف، ناحیه دو حائز رتبه ۱ و نواحی یک، چهار و سه، به ترتیب، دارای رتبه‌های ۲ تا ۴ هستند. بنابراین با وجود نابرابری‌هایی که در بالا بین نواحی چهار گانه شهر یاسوج ذکر شد، با در نظر گرفتن دسته‌بندی شهرداری از این شهر و با مفروض گرفتن وجود رابطه متقابل بین "عدم امنیت اجتماعی و نابرابری‌های شهری" (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۱: ۵۰)، می‌توان چهار ناحیه را به دو منطقه نسبتاً مناسب (مناطق ۱ و ۲) شامل محله‌های (ترمینال، ابوذر، راهنمایی، شهرک ولایت (منطقه ۱) و میدان معلم، شهدا، مرکز شهر، ارم، بلوار چمران (منطقه ۲) و مناطق نسبتاً نامناسب (مناطق ۳ و ۴) شامل محله‌های (گلستان، معاد، زیر تل، شهرک امام حسین (منطقه ۳) و محله‌های شهرک جهاد، بنسنگان، آخر آسفالت، بله‌زار، شهرک امام علی، آزادگان، کوی امام رضا (منطقه ۴) تقسیم کرد. انتظار می‌رود زنان ساکن در مناطق دو گانه فوق از نظر میزان امنیت اجتماعی و امنیت محیطی وضعیت یکسانی نداشته باشند.

ویژگی‌های پاسخگویان

به صورت خلاصه می‌توان گفت از کل افراد مورد مطالعه (۳۶۳ نفر)، ۴۷/۷ درصد در منطقه بالا (۹۸ نفر از ناحیه ۱ و ۷۵ نفر از ناحیه ۲) و ۵۲/۳ درصد در منطقه پایین (ناحیه ۳ ۹۲ نفر و ناحیه ۴ ۹۸ نفر) سکونت داشته‌اند. از نظر سنی، بیشترین درصد افراد به گروه سنی

اجتماعی بوده‌اند تا فیزیکی. تفاوت میانگین رتبه‌ها برای ساکنان منطقه ۲ نیز با مقدار خی دوی (۲۴۳/۵۱) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) از نظر آماری معنی‌دار بوده است.

جدول ۱- توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب منطقه، گروه سنی، وضعیت اشتغال، سواد و تأهل آنان

مناطق دو گانه	تعداد نمونه	گروه سنی	درصد	وضعیت اشتغال	درصد	وضعیت سواد	درصد	وضع تأهل	درصد
منطقه ۱	۴۷/۷	۲۰-۱۵	۳۰	خانه دار	۲۳/۴	سیکل و پایین‌تر	۲۶/۴	مجرد	۵۵/۱
		۲۶-۲۱	۳۴/۲	کارمند	۱۰/۲	دیپلم	۲۶/۷		
		۳۲-۲۷	۱۶/۸	کار آزاد	۱۲/۴	فوق دیپلم	۲۵/۱		
منطقه ۲	۵۲/۳	۳۸-۳۳	۶/۳	دانش آموز	۱۶	لیسانس و بالاتر	۲۱/۸	متاهل	۴۴/۹
		جمع	۱۰۰/۰	+۳۹	۱۲/۷	دانشجو	۳۸		

جدول ۲- آزمون معناداری تفاوت میانگین رتبه مسائل فیزیکی و اجتماعی محله از دید پاسخگویان و رتبه‌بندی آنها

مسئله	کل	منطقه بالا	منطقه پایین	آزمون معنی‌داری
مزاحمت ناموسی	۸/۲۰	۷/۸۴	۸/۵۳	کل پاسخگویان
کوچه‌های فرعی	۸/۱۷	۸/۷۵	۷/۶۵	Chi square = ۳۵۶ / ۰۰۰۵
اراذل و اوباش	۸/۱۴	۸/۰۰	۸/۲۷	Sig = / ۰۰۰
درگیری	۸/۱۰	۷/۳۷	۸/۷۶	df=۱۲ n= ۳۶۳
دزدی	۷/۹۳	۷/۸۶	۸/۰۰	منطقه بالا
ایستگاه اتوبوس و تاکسی	۷/۰۲	۷/۰۸	۶/۹۶	Chi square = ۱۵۸ / ۵۴
پارکینگ و گاراژ	۶/۸۹	۷/۰۱	۶/۷۸	Sig = / ۰۰۰
مصرف مواد	۶/۳۹	۶/۰۸	۶/۶۷	df=۱۲ n= ۱۷۳
فروشگاه‌ها و مراکز خرید	۶/۳۴	۶/۷۰	۶/۰۲	منطقه پایین
آپارتمان و پله‌ها	۶/۱۹	۶/۲۶	۶/۱۲	
خرید و فروش مواد مخدر	۶/۱۵	۵/۹۶	۶/۳۳	Chi square = ۲۴۳ / ۵۱
پارک محله	۶/۰۴	۶/۶۸	۵/۴۷	Sig = / ۰۰۰
مراکز اداری	۵/۴۴	۵/۴۳	۵/۴۶	df=۱۲ n= ۱۹۰

حد متوسط و ۳۲ درصد است. این مقدار همبستگی بیانگر این است که هر چند ویژگی‌های اجتماعی محل سکونت می‌تواند موجب تقویت امنیت در محیط فیزیکی آن محل شود، اما نباید تأثیر این دو فاکتور را در ایجاد امنیت یا ناامنی یکسان و مشابه دانست. زیرا در این صورت میزان همبستگی خیلی بالا می‌بود.

آماره‌های جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی سن با محیط اجتماعی و فیزیکی امنیت، و امنیت کلی پاسخگویان است. بر اساس مقدار آماره همبستگی می‌توان گفت سن پاسخگویان رابطه معنی‌داری با هیچ یک از ابعاد امنیت ندارد. اما همبستگی امنیت ناشی از ویژگی‌های اجتماعی امنیت با ویژگی‌های فیزیکی آن در

همبستگی نسبتاً بالای محیط اجتماعی امنیت با امنیت کلی، به نسبت همبستگی محیط فیزیکی امنیت با امنیت کلی، بیانگر اهمیت بسیار بالای ویژگی‌های اجتماعی امنیت‌زا در مقایسه با ویژگی‌های محیطی امنیت‌زا است.

جدول ۳- همبستگی دو متغیره سن با محیط اجتماعی، فیزیکی امنیت و امنیت کلی

سن	محیط اجتماعی امنیت	محیط فیزیکی امنیت	امنیت کلی
۱	-.۰۲	-.۰۵	.۰۳
محیط اجتماعی امنیت	۱	.۳۲**	.۷۵**
محیط فیزیکی امنیت		۱	.۵۴**
امنیت کلی			۱

* در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. ** در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول ۴ بیانگر تفاوت میزان امنیت ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی پاسخگویان دو منطقه ۱ و ۲ می‌باشد. بر اساس مقدار میانگین و مقدار T و سطح معنی‌داری مربوطه می‌توان گفت ساکنان منطقه ۱ در محیط اجتماعی خود امنیت بیشتری از زنان منطقه ۲ دارند. اما، برعکس، زنان ساکنان منطقه ۲، در رابطه با وضعیت محیط فیزیکی خود احساس امنیت بیشتری دارند. بنابراین، یکی از فرضیات اساسی تحقیق تأیید می‌شود

مبنی بر اینکه زنان در محیط‌های متفاوت تحت تأثیر عوامل مختلفی امنیت و احساس امنیت یا ناامنی می‌کنند. به عبارتی نه می‌توان زنان را به صورت یک مقوله واحد در نظر گرفت، و نه محیط‌های تأثیرگذار بر امنیت آنان را صرفاً فیزیکی یا اجتماعی دانست. نکته جالب توجه اینست که از نظر امنیت کلی تفاوت معنی‌داری بین زنان ساکنان دو منطقه وجود ندارد.

جدول ۴- آزمون رابطه میان منطقه محل سکونت با امنیت زنان نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی

نوع محیط	منطقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	Sig
محیط اجتماعی	۱	۱۷۳	۱۳/۳۲	۶/۵۴	-۲/۲۱	.۰۲
	۲	۱۹۰	۱۴/۸۵	۶/۳۴		
محیط فیزیکی	۱	۱۷۳	۵/۳۹	۲/۳۷	۲/۲۳	.۰۲
	۲	۱۹۰	۴/۸۵	۲/۱۶		
امنیت کلی	۱	۱۷۳	۱۸/۷۲	۷/۴۳	-۱/۲۳	.۲۱
	۲	۱۹۰	۱۹/۷۰	۷/۶۳		

آماره‌های جدول ۵ بیانگر تأثیر وضع تأهل پاسخگویان بر امنیت و احساس امنیت آنان تحت تأثیر کیفیت محیط اجتماعی و فیزیکی‌شان؛ همچنین، وضعیت امنیت کلی آنان است. بر اساس مقدار آماره‌ها و سطح معنی‌داری می‌توان گفت زنان مجرد در مقایسه با زنان متأهل با توجه به کیفیت اجتماعی محله خود

نامنی بیشتری دارند و بیشتر احساس ناامنی می‌کنند. اما کیفیت محیط فیزیکی تأثیر معنی‌داری بر امنیت زنان مجرد و متأهل ندارد. در بُعد امنیت کلی، نیز زنان مجرد وضعیت اجتماعی و فیزیکی محله‌شان را ناامن‌تر از زنان متأهل می‌دانند.

جدول ۵-آزمون رابطه میان وضع تأهل با امنیت زنان نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی

نوع محیط	وضع تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	Sig
محیط اجتماعی	مجرد	۲۰۰	۱۴/۹۵	۶/۴۹	۲/۶۵	/۰۰۸
	متأهل	۱۶۳	۱۳/۱۱	۵/۵۶		
محیط فیزیکی	مجرد	۲۰۰	۵/۱۵	۲/۳۵	/۰۳۳	/۰۷۳
	متأهل	۱۶۳	۵/۰۶	۲/۳۰		
امنیت کلی	مجرد	۲۰۰	۲۰/۱۰	۷/۴۶	۲/۴۱	/۰۰۰
	متأهل	۱۶۳	۱۸/۱۸	۷/۵۳		

ارتباط با محیط فیزیکی‌شان دارند. شاید این بدین علت باشد که لیسانسیه‌ها و دیپلمه‌ها هر روز بنا به وضعیت تحصیلی و کاری‌شان، در مقایسه با گروه‌های دیگر به ویژه گروه سیکل و پایینتر، بیشتر در فضای فیزیکی و اجتماعی محله رفت و آمد می‌کنند و از این‌رو بیشتر با ناهنجاری‌ها و جرایم سیاه روبه‌رو هستند و وضعیت ناامن‌تری دارند.

آماره‌های جدول ۶ بیانگر وضعیت امنیت زنان پاسخگو بر اساس میزان سوادشان متناسب با کیفیت محیط اجتماعی و فیزیکی محله‌شان و امنیت آنان به طور کلی می‌باشد. بر اساس مقادیر میانگین F و سطح معنی‌داری می‌توان گفت وضعیت سواد پاسخگویان بر میزان امنیت ناشی از محیط فیزیکی و امنیت کلی آنان تأثیر معنی‌داری دارد. بدین ترتیب که زنان لیسانسیه و بالاتر و دیپلمه‌ها بیشترین ناامنی را به طور کلی و در

جدول ۶-آزمون رابطه میان سواد با امنیت زنان نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی و امنیت کلی آنان

نوع محیط	وضع سواد	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
محیط اجتماعی	سیکل و پایین‌تر	۹۶	۱۳/۹۴	۶/۴۵	/۰۷۲	/۰۵۳
	دیپلم	۹۷	۱۴/۴۰	۶/۸۵		
	فوق دیپلم	۹۱	۱۳/۴۱	۶/۱۵		
	لیسانس و بالاتر	۷۹	۱۴/۸۲	۶/۵۸		
محیط فیزیکی	سیکل و پایین‌تر	۹۶	۴/۸۰	۲/۱۹	۳/۱۴	/۰۰۲
	دیپلم	۹۷	۵/۳۶	۲/۳۰		
	فوق دیپلم	۹۱	۴/۷۲	۲/۳۵		
	لیسانس و بالاتر	۷۹	۵/۶۳	۲/۳۹		
امنیت کلی	سیکل و پایین‌تر	۹۶	۱۸/۷۵	۷/۲۰	۱/۶۲	/۰۰۲
	دیپلم	۹۷	۱۹/۷۶	۷/۶۱		
	فوق دیپلم	۹۱	۱۸/۱۴	۷/۱۳		
	لیسانس و بالاتر	۷۹	۲۰/۴۵	۸/۲۱		

جالب توجه این است که زنان کارمند کمترین میزان ناامنی را دارند، این واقعیت شاید بدین علت باشد که زنان کارمند یا متأهل هستند و همراه شوهرشان بیرون می‌روند یا اینکه دارای وسیله نقلیه شخصی هستند و کمتر به صورت پیاده رفت و آمد می‌کنند و با ناهنجاری‌های اجتماعی محله روبه‌رو هستند (این اظهارات مستلزم بررسی بیشتر هستند). در بعد کلی امنیت، نیز دانشجویان، دارندگان کار آزاد و دانش‌آموزان بیشترین میزان ناامنی را دارند.

آماره‌های جدول ۷ بیانگر وضعیت امنیت زنان گروه‌های شغلی متفاوت با توجه به کیفیات اجتماعی و فیزیکی محله‌شان و امنیت آنان به طور کلی می‌باشد. بر اساس مقدار آماره‌ها می‌توان گفت اشتغال زنان تنها در بعد اجتماعی محله و بعد کلی موجب تنوع و تفاوت میزان امنیت و احساس امنیت آنان می‌شود. بدین ترتیب که سه گروه دانشجویان، دارندگان کار آزاد و دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های اجتماعی محله‌شان بالاترین ناامنی را دارند؛ گروه‌هایی که بیشترین میزان رفت و آمد را بنا به اقتضای شغلی‌شان دارند. نکته

جدول ۷-آزمون رابطه میان وضع اشتغال زنان با امنیت نسبت به محیط اجتماعی و فیزیکی و امنیت کلی آنان

نوع محیط	اشتغال	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	Sig
محیط اجتماعی	بیکار	۸۵	۱۲/۲۵	۶/۴۰	۴/۹۰	/۰۰۱
	کارمند	۳۷	۱۱/۶۳	۶/۱۲		
	کار آزاد	۴۵	۱۵/۴۲	۶/۱۸		
	دانش‌آموز	۵۸	۱۴/۶۸	۶/۸۳		
	دانشجو	۱۳۸	۱۵/۲۸	۶/۵۸		
محیط فیزیکی	بیکار	۸۵	۴/۹۰	۲/۲۵	/۶۲	/۶۴
	کارمند	۳۷	۵/۱۳	۲/۱۶		
	کار آزاد	۴۵	۴/۹۳	۲/۴۴		
	دانش‌آموز	۵۸	۴/۹۸	۲/۲۲		
	دانشجو	۱۳۸	۵/۳۴	۲/۴۳		
امنیت کلی	بیکار	۸۵	۱۷/۲۵	۷/۸۴	۴/۲۳	/۰۰۲
	کارمند	۳۷	۱۶/۵۶	۶/۴۲		
	کار آزاد	۴۵	۲۰/۳۵	۶/۹۸		
	دانش‌آموز	۵۸	۱۹/۶۷	۷/۴۳		
	دانشجو	۱۳۸	۲۰/۶۳	۷/۴۷		

اجتماعی، فیزیکی و امنیت کلی‌شان است. در واقع تفسیر دو جدول در راستای همدیگر معنی‌دار است. بر اساس داده‌های جدول ۸ می‌توان گفت زنان مجرد، در مقایسه

آماره‌های جداول ۸ و ۹ بیانگر میانگین نمره‌ها و ارزیابی تأثیر تقابلی دو متغیر منطقه سکونت و وضع تأهل پاسخگویان بر میزان امنیت ناشی از محیط

نتایج آماره‌های جدول ۹، نیز، نشان می‌دهند که هر دو متغیر منطقه سکونت، وضع تأهل و تأثیر تقابلی آنها تأثیر معنی‌داری بر امنیت ناشی از ویژگی‌های اجتماعی محل زندگی پاسخگویان دارند. در این بین وضع تأهل مهمترین متغیر به شمار می‌رود. اما در ارتباط با امنیت ناشی از ویژگی‌های محیط فیزیکی می‌توان گفت، تنها منطقه محل سکونت زنان تأثیر معنی‌داری بر امنیت ناشی از ویژگی‌های محیط فیزیکی شان دارد. در ارتباط با بعد کلی امنیت نیز هر دو متغیر وضع تأهل و تأثیر تقابلی وضع تأهل و منطقه سکونت تأثیر معنی‌داری بر امنیت کلی زنان مورد مطالعه داشته‌اند. بر اساس نتایج تحلیل واریانس دوطرفه می‌توان گفت وضعیت امنیت و ناامنی مناطق مختلف محل زندگی زنان ناشی از فاکتورهای یکسانی نیست؛ به علاوه، فاکتورهای یکسان نمی‌توانند تأثیرات یکسانی بر زنانی با ویژگی‌های مختلف داشته باشند.

با زنان متأهل، در هر دو منطقه بالا و پایین و در کل، ناامنی بیشتری از ویژگی‌های محیط اجتماعی‌شان داشته‌اند. بر عکس، محیط فیزیکی طبقات بالا و پایین پیامدهای امنیتی یکسانی برای زنان مجرد و متأهل دو طبقه ندارد. بدین معنی که زنان متأهل منطقه بالا در مقایسه با زنان مجرد هم منطقه‌ای شان در فضاهای فیزیکی محله‌شان امنیت کمتری دارند؛ اما، در منطقه پایین، زنان مجرد نسبت به زنان هم منطقه‌ای متأهل شان امنیت کمتری دارند. در کل نیز مجردها، در هر سه وضعیت ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی محله و در کل امنیت کمتری از زنان متأهل دارند. نکته جالب توجه تفاوت قابل ملاحظه امنیت ناشی از ویژگی‌های اجتماعی محل سکونت زنان متأهل منطقه بالا (۱۱/۱۷) و منطقه پایین (۱۴/۷۳) است که بیشتر از ۴ نمره است. بنابراین نمی‌توان گفت زنان با ویژگی‌های یکسان (تأهل) در مناطق مختلف امنیت و احساس امنیت یکسانی دارند.

جدول ۸- میانگین و انحراف معیار نمره امنیت پاسخگویان بر اساس تأثیر تقابلی منطقه سکونت و وضع تأهل

منطقه	وضع تأهل	فراوانی	امنیت محیط اجتماعی		امنیت محیط فیزیکی		امنیت کلی	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
بالا	مجرد	۹۹	۱۴/۹۳	۶/۴۴	۵/۳۹	۲/۴۰	۲۰/۳۳	۷/۲۸
	متأهل	۷۴	۱۱/۱۷	۶/۰۷	۵/۴۰	۲/۳۴	۱۶/۵۸	۷/۱۳
پایین	مجرد	۱۰۱	۱۴/۹۶	۶/۵۷	۴/۹۱	۲/۲۸	۱۹/۸۷	۷/۶۶
	متأهل	۸۹	۱۴/۷۳	۶/۵۵	۴/۷۸	۲/۲۵	۱۹/۵۱	۷/۶۳
کل	مجرد	۲۰۰	۱۴/۹۵	۶/۴۹	۵/۱۵	۲/۳۵	۲۰/۱۰	۷/۴۶
	متأهل	۱۶۳	۱۳/۱۱	۶/۵۶	۵/۰۶	۲/۴۰	۱۸/۱۸	۷/۵۳

جدول ۹- تحلیل واریانس دو طرفه امنیت بر حسب منطقه سکونت، وضع تأهل و تأثیرات تقابلی آنها

مبنای امنیت	منبع تغییرات	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
محیط اجتماعی	منطقه سکونت	۲۸۵/۶۹	۶/۹۰	./۰۰۹
	تأهل	۳۵۶/۴۱	۸/۶۰	./۰۰۴
	منطقه سکونت * تأهل	۲۷۹/۰۲	۶/۷۳	./۰۱
محیط فیزیکی	منطقه سکونت	۲۷/۱۳	۵/۰۲	./۰۲
	تأهل	./۲۸	./۰۵	./۸۱
	منطقه سکونت * تأهل	./۴۱	./۰۷	./۷۸
امنیت کلی	منطقه سکونت	۱۳۶/۷۴	۲/۴۶	./۱۱
	تأهل	۳۷۶/۸۵	۶/۷۸	./۰۱
	منطقه سکونت * تأهل	۲۵۷/۹۸	۴/۶۴	./۰۳

بحث و نتیجه‌گیری

شهرها مهمترین ترتیبات فضایی - اجتماعی امروزی هستند که زندگی انبوهی از انسان‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اما بر خلاف اوایل دوران مدرن، که شهرها پرجاذبه تصور می‌شدند، امروزه همزمان با رشد و گسترش شهرنشینی مسائل و مشکلات متعددی مانند دزدی، قتل، جنایت، حاشیه‌نشینی و ... در شهرها رواج یافته و موجب جلب توجه محققان مختلف قرار گرفته‌اند. یکی از مهمترین موارد مربوط به فضاهای شهر و کیفیت زندگی شهری، امنیت و احساس امنیت ساکنان، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر شهری می‌باشد. زنان به عنوان نیمی از جمعیت شهرها از آسیب‌پذیرترین گروه‌های شهری محسوب می‌شوند. از این‌رو ورود گسترده زنان به بازار کار، فضاهای آموزشی و تفریحی و فضاهای عمومی شهری در جهت افزایش امنیت و احساس امنیت آنان نبوده است. بنابراین، یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعاتی جامعه‌شناختی در سال‌های اخیر، امنیت زنان در شهرها و فضاهای شهری بوده است. همچنین، نتایج اکثر این تحقیقات، بیانگر وجود ناامنی و/یا احساس ناامنی زنان ساکن شهر است. با

وجود اهمیت این مطالعات، آنها دو ضعف اساسی دارند. اول، آنها زنان را به عنوان یک مقوله واحد، یکپارچه و در تقابل با مردان تصور کرده‌اند و به شکاف‌های امنیتی درون جنسی توجه چندانی نکرده‌اند. دوم، این مطالعات، به ویژه در حوزه جامعه‌شناسی، بیشتر به تأثیر ویژگی‌های محیط اجتماعی شهری پرداخته و نسبت به پیامدهای امنیتی ویژگی‌های فیزیکی شهر بی‌توجه و/یا کم توجه بوده‌اند. با توجه به ضعف‌های بالا، مقاله حاضر در صدد مقایسه امنیت زنان ساکن در مناطق دوگانه شهر یاسوج برآمد، امنیتی که در ارتباط با هر دو نوع ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی مناطق مذکور ارزیابی می‌شود. منطقه ۱ منطقه‌ای است که اغلب ساکنان آن کارمند، بازاری و دارای درآمد مناسب هستند و جزء مرکز شهر و تقریباً از نظر اجتماعی شمال شهر محسوب می‌شود. ساکنان منطقه ۲، برعکس، بیشتر کارمندان متوسط به پایین، کارگران و حاشیه‌نشینان شهری هستند و دارای تراکم جمعیت زیادی بوده و از نظر اجتماعی جنوب شهر شناخته می‌شود. محققان پس از ارزیابی نظریات مربوطه (تجربه جرم، کنترل اجتماعی، بوم شناختی، پنجره‌های شکسته)،

می‌دانستند و ناامنی آنها در ارتباط با این ویژگی‌ها زیادت‌تر بود. در خصوص امنیت مرتبط با ویژگی‌های فیزیکی محل سکونت تفاوت معنی‌داری بین مجردها و متأهلان وجود نداشت. در کل نیز زنان مجرد ناامن‌تر از زنان متأهل بودند. سواد زنان تنها در ناامنی ناشی از ویژگی‌های فیزیکی محل سکونت‌شان تأثیرگذار بود. بدین ترتیب که لیسانسیه‌ها و بالاتر، و کسانی که دیپلم داشتند بیشترین ناامنی را از ویژگی‌های فیزیکی محل سکونت‌شان داشته‌اند. در ارتباط با گروه شغلی، دانشجویان، دارندگان کار آزاد و دانش‌آموزان، به ترتیب، بیشترین ناامنی را از ویژگی‌های محیط اجتماعی محل سکونت‌شان و در بعد کلی ناامنی داشته‌اند. اما از نظر ناامنی ناشی از محیط فیزیکی محل سکونت، تفاوت معناداری بین دارندگان مشاغل مختلف نبوده است.

بر اساس نتایج تحلیل واریانس دو طرفه تأثیرات متقابلی منطقه سکونت و وضع تأهل، زنان مجرد هر دو منطقه بالا و پایین شهر، در مقایسه با زنان متأهل هم منطقه‌ای‌شان، ناامنی بیشتری نسبت به ویژگی‌های اجتماعی محل سکونت‌شان داشتند. برعکس، زنان متأهل منطقه بالا در مقایسه با زنان مجرد هم منطقه‌ای‌شان در فضاهای فیزیکی محل سکونت‌شان امنیت کمتری داشتند. اما در منطقه پایین، زنان مجرد نسبت به زنان متأهل هم منطقه‌ای امنیت کمتری داشتند. زنان متأهل منطقه بالا نسبت به زنان متأهل منطقه پایین، امنیت قابل ملاحظه بیشتری نسبت به ویژگی‌های اجتماعی محل سکونت‌شان داشتند. در نهایت، نتایج آزمون نشان داد که تأثیر تقابلی دو متغیر منطقه سکونت و وضع تأهل بر امنیت ناشی از ویژگی‌های اجتماعی محل سکونت و امنیت کلی پاسخگویان معنی‌دار بود.

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت ناامنی زنان ساکن دو منطقه ناشی از عوامل نسبتاً متفاوتی است (زنان منطقه ۱ ناشی از شرایط فیزیکی و زنان منطقه ۲ ناشی از

با روش پیمایشی و با کمک ابزار پرسشنامه، امنیت زنان در دو منطقه مذکور را مورد بررسی و مقایسه قرار دادند. مهمترین یافته‌های تحقیق موارد زیر بوده‌اند:

یافته‌های تحقیق هر چند مؤید یافته‌های تحقیقات زنجانی‌زاده (۱۳۸۱) و نجار نیاوندی و آهنگر سلامی (۱۳۸۹) هستند که زنان مناطق از نظر اقتصادی محروم و مناطق مسکونی جنوب از احساس ناامنی بیشتری نسبت به سایر زنان برخوردارند؛ اما یافته فوق در تحقیق حاضر تنها در مورد زمینه‌های مرتبط با محیط اجتماعی امنیت (مانند وجود دزدی، اراذل و اوباش، درگیری جمعی و...) صدق می‌کند. زیرا زنان ساکنان منطقه ۱، در مقایسه با زنان منطقه ۲، ناامنی بیشتری را نسبت به شرایط فیزیکی محل سکونت‌شان (مانند کوچه فرعی، پارک و آپارتمان و...) ابراز کردند. از این رو می‌توان گفت امنیت و ناامنی زنان در دو منطقه متفاوت تحت تأثیر ویژگی‌های یکسانی نیست.

بر اساس نتایج آزمون فریدمن در مورد ترتیب ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی امنیت زدا، پاسخگویان به طور کلی فاکتورهای مزاحمت نوامیس، کوچه‌های فرعی، اراذل و اوباش، و درگیری را مهمترین فاکتورهای ناامنی خود می‌دانستند. ساکنان منطقه بالا (۱)، مهمترین موارد ناامنی‌زا را، به ترتیب، کوچه‌های فرعی، اراذل و اوباش و دزدی؛ و زنان ساکن منطقه پایین (۲)، برعکس، مهمترین عوامل ناامن‌کننده را، درگیری، مزاحمت ناموسی و اراذل و اوباش می‌دانستند. بنابراین، ترتیب مقایسه موارد ناامن‌کننده ساکنان دو منطقه نشان می‌دهد که ساکنان منطقه ۱، محیط فیزیکی کوچه را مهمترین عامل ناامنی دانسته‌اند؛ اما همه عوامل ناامن‌کننده مهم از نظر زنان ساکن منطقه ۲، عوامل اجتماعی بوده‌اند.

با توجه به ویژگی‌های فردی زنان می‌توان گفت، زنان مجرد، در مقایسه با زنان متأهل، تأثیر ویژگی‌های اجتماعی امنیت‌زدا را در ایجاد ناامنی خیلی زیاد

توسعه»، همایش معضل‌یابی و مسأله‌شناسی فرهنگی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران: بازتاب اندیشه. صص: ۱۳۲-۱۳۷.

رفیعیان، مجتبی. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری»، مجموعه مقالات پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۳، صص ۱۱۲-۱۳۲.

زنجانی‌زاده، هما. (۱۳۸۱). «زنان و امنیت شهری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم و چهارم، صص ۱۰-۱۳.

عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). «زنان و نهادهای مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲، صص ۶۳-۹۹.

عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید و حیدری، اله رحم. (۱۳۹۱). «امنیت و جنسیت: تفاوت‌های بین جنسی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۰، ش ۲، صص ۷-۳۲.

کرامتی، مهدی. (۱۳۸۴). «بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان تهران بزرگ»، فصلنامه مطالعات امنیتی، شماره دوم و سوم، صص ۲۸۷-۳۰۴.

گلی، علی و صادقی، حلیمه. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری در شمال و جنوب شهر شیراز (مورد مطالعه: پارک آزادی و پارک ولی عصر شهر شیراز)»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی استان فارس نظم و امنیت، ۱۱ و ۱۲ بهمن، صص ۸۹-۱۰۲.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشرنی. چاپ نهم.

شرایط اجتماعی محل سکونت‌شان). همچنین، در مناطق مذکور کسانی مانند دانشجویان، دانش‌آموزان و آزادکاران که بیشتر در ایاب و ذهاب شهری هستند بیشترین ناامنی را داشته‌اند. البته در بین این گروه مجردها بیشترین میزان ناامنی را داشته‌اند. به نظر می‌رسد این ناامنی بیشتر بدین دلیل است که آنها کسی را ندارند که همیشه همراه آنان باشد (مانند شوهر، برادر و ..) و از طرفی فاقد وسیله حمل و نقل شخصی هستند. از این رو به بیشترین میزان در هر دو نوع محیط‌های اجتماعی و فیزیکی مناطق ۱ و ۲ احساس ناامنی می‌کنند. می‌توان گفت در برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت امنیت زنان، توجه به هر دو نوع ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی محل سکونت ضروری است. همچنین، نیازهای افرادی با ویژگی‌های خاص مانند دانشجویان و دانش‌آموزان باید در برنامه‌ریزی امنیتی مورد لحاظ واقع شود. زیرا این دو گروه کسانی هستند که بیشترین رفت و آمد را در فضاهای عمومی شهری و همچنین بیشترین ناامنی را دارند.

منابع

اباذری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، پژوهش زنان، دوره ۶، صص ۷۵-۱۰۳.

احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سمت.

بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: امیر کبیر.

تمدن، رویا. (۱۳۸۷). «زنان و فضاهای شهری، جستارهای شهرسازی»، فصلنامه تحلیلی-پژوهشی علوم اجتماعی، سال هفتم، ش ۲۴-۲۵، صص ۲۰-۲۵.

جوانمردی، منوچهر. (۱۳۸۰). «مشکلات شهرنشینی استان با تأکید بر مسائل فرنگی و راهبردهای

- Gerber, Monica M. and Helmut Hirtenlehner & Jonathan Jackson. (2010) " Insecurities about Crime in Germany, Austria and Switzerland: A Review of Research Findings." *European Journal of Criminology*, vol. 7, No(2).Pp.141- 157.
- Harrison, Albert. A. (1976) *Individuals and Groups (understanding social behavior)*. California: wods worts.
- Jackson, Jonathan. (2006) " Introducing Fear of Crime to Risk Research." *Risk Analysis*. Vol. 26, No. 1, Pp. 253- 264.
- "Marking Safer Placer, Women's Safety in our Cities" (18th November 2005). National Conference, Conference Report. London.
- Satterfield, T.A. Mertz, C.K. and Slovic, P. (2004) " Discrimination, Vulnerability, and Justice in the face of Risk", *Risk Analysis*, 24, 115- 29.
- Saunders, Peter (1985) " Space, The city and Urban Sociology". In: *Social Relations and Spatial Structures*. Edited by John Urry and Derek Gregory). . United kingdom: Macmillan.
- Smith, J. (2005) " Dangerous News: Media Decision Making about Climate Change Risk." , *Risk Analysis*, Vol. 25, No. 6. Pp: 1471- 82.
- Thompson, k. M. (2002) " Variability and Uncertainty Meet Risk Management and Risk Communication.", *Risk Analysis*, 22, Pp: 647- 54.
- Urry. John and Gregory, Derek. (1985) *Social Relations and Spatial Structures*. United Kingdom: Macmillan.
- Vornanen, Ritta; Torronen, M. and Nielma, P.(2009) "Insecurity of Young People: The Meaning of Insecurity as Defined by 13- 17 Years Old Finns." *Young*, Vol. 17(4), Pp. 399- 419.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی، کنش ساختاری و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه: محمد رسایی، تهران: سعادت.
- نوروزی، فیض اله و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸) «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵- ۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، ش ۵۳، صص ۱۲۹- ۱۵۹*.
- مجیدی کرائی، نور محمد. (۱۳۸۱). *مردم و سرزمین‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران: بازتاب اندیشه*.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۷). «درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت، در جستجوی شهرهای انسانی‌تر، جستارهای شهرسازی»، *فصلنامه تحلیلی- پژوهشی علوم اجتماعی، سال هفتم، ش ۲۴- ۲۵، صص ۶- ۱۹*.
- نوروزی، فیض‌اله و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله در شهر تهران»، *مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ایسپا، سال اول، شماره سوم، صص ۵۵- ۷۲*.
- Baron, Robert A. and Bryne, Donn Frwin. (1987) *Social Psychological*. Fift Edition. USA: Allyn and Bacon. PP.418-444.
- Boers, K. (2003) "Crime, Fear of Crime and the Operation of Crime Control in The Light of Victim Surveys and Other Empirical Studies." , Paper Presented at 22nd Criminological Research Conference. Stasbourg.
- Burney, E. (2005) *Making People Behave: Antisocial Behavior, Politics and Policy*. Cullompton: Willan.
- Chafetz, Janet Satzman. (2006) "The Varieties of Gender Theory in Sociology", in: *Handbook of the Sociology of Gender*, Janet Saltzman Chafetz (Eds), USA: Springer, Pp: 3-24.